سند چهارم: تهذیب الاحکام (تحقیق خرسان)؛ ج ۸؛ ص ۱۹۵

عَنْهُ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ ابْنِ الْمُلَاعَنَةِ مَنْ يَرِثُهُ فَقَالَ أُمُّه وَ عَصَبَةُ أُمِّهِ قُلْتُ أَ رَأَيْتَ إِنِ ادَّعَاهُ أَبُوهُ بَعْدَ مَا قَدْ لَاعَنَهَا قَالَ أَرُدُّهُ عَلَيْهِ مِنْ أَجْلِ أَنَّ الْوَلَدَ لَيْسَ لَهُ أَحَدٌ يُوَارِثُهُ وَ لَا تَحِلُّ لَهُ أُمُّهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

عادی سازی سند

۱- اضمار

در اسناد تهذیب به طور معمول ضمیر به راوی مذکور در ابتدای سند پیشین بازمی گردد اما در موارد کمی به میانه سند باز می‌گردد. پس برای اطمینان باید بررسی کنیم، کدام یک از راویان سند قبل از عنوان بعد از ضمیر روایت می کند.

سند قبل: الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا قَذَفَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ فَإِنَّهُ ...

عنوان بعد از ضمیر علی می باشد. ابتدا باید مشخص کنیم که منظور از علی کیست.

« علی بن – ۲-[۱] عن ابی بصیر» را جستجو کردیم ۳۵۲ مورد یافتیم که نشان می دهد منظور از علی، علی بن ابی حمزه می باشد.

«(علی بن – ۲- عن ابی بصیر) &! (علی بن ابی حمزة)» را جستجو می کنیم ۴۱ مورد یافتیم که نشان می دهد علی بن رئاب نیز از ابی بصیر روایت نقل می کند. اما نکته قابل توجه آن است که در این موارد الحسن بن محبوب راوی از علی بن رئاب می باشد که در سند ما قبل ما وجود ندارد.

البته با توجه به کثرت روایت علی بن ابی حمزه از ابی بصیر می توان نتیجه گرفت که هر جا علی عن ابی بصیر داشتیم منظور علی بن ابی حمزه می باشد. (مطلق گذاشتن علی به جهت شهرت)

حال باید بررسی کنیم ببینیم که از راویان سند قبل کدام یک از علی بن ابی حمزه روایت می کند.

« الحسین بن سعید عن علی بن ابی حمزه» را جستجو کردیم و فقط یک مورد در کتب اربعه یافتیم که قابل اعتنا نیست.

« ابن أبی عمیر عن علی بن ابی حمزه» را جستجو کردیم و ۱۵ مورد یافتیم.

« حماد عن علی بن ابی حمزه» را جستجو کردیم و ۵ مورد یافتیم.

« الحلبی عن علی بن ابی حمزه» را جستجو کردیم و هیچ موردی نیافتیم.

پس ظاهرا ضمیر به ابن ابی عمیر بر می گردد و سند به این شکل خواهد بود:

«عن ابن ابی عمیر عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن ابی عبد الله»

با توجه به اینکه در تهذیب به طور معمول ضمیر به راوی مذکور در ابتدای سند پیشین بازمی گردد برای اطمینان «الحسین بن سعید ← (علی بن ابی حمزه)» را جستجو می کنیم ۱۰۲ مورد یافتیم که در ۹۹ مورد آن ها الحسین بن سعید با واسطه

---

[۱] به معنای «فاصله‌ی دو عبارت «علی بن» و «عن ابی بصیر» کمتر از ۲ کلمه باشد» است.

قاسم بن محمد از علی بن ابی حمزه نقل می کند. پس احتمال سقط قاسم بن محمد وجود دارد. در این صورت سند به این شکل خواهد بود:

«الحسین بن سعید عن القاسم بن محمد الجوهری عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن ابی عبد الله»

حال باید ببینیم کدام یک از این دو سند قابل اعتماد است:

۱- «عن ابن ابی عمیر عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن ابی عبد الله»

۲- «الحسین بن سعید عن القاسم بن محمد الجوهری عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن ابی عبد الله»

«عن ابن ابی عمیر عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر» را جستجو می کنیم تا ببینیم چنین طریقی چه تعداد و به چه شکل به کار رفته است. ۶ مورد یافتیم که در ابتدای همه آن ها علی بن ابراهیم عن ابیه وجود دارد و حال آنکه ابتدای سند مورد بحث ما علی بن ابراهیم عن ابیه نمی باشد. پس طریق اول بعید است.

اما طریق دوم ۹۹ مورد یافتیم که موجب قوت احتمال سند دوم می شود.

پس در نهایت سند دوم را می پذیریم:

«الحسین بن سعید عن القاسم بن محمد الجوهری عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن ابی عبد الله»

۲- تعلیق

به مشیخه رجوع می کنیم و طریق مرحوم شیخ به الحسین بن سعید را به ابتدای سند اضافه می کنیم.

[الحسین بن سعید]

و ما ذكرته فی هذا الكتاب عن الحسين بن سعيد فقد اخبرنی به الشيخ ابو عبد اللّه محمد بن محمد بن النعمان و الحسين بن عبيد اللّه و احمد بن عبدون كلهم عن احمد بن محمد بن الحسن بن الوليد عن ابيه محمد بن الحسن بن الوليد و اخبرنی به أيضا ابو الحسين ابی جيد القمی عن محمد بن الحسن بن الوليد عن الحسين بن الحسن بن ابان عن الحسين بن سعيد، و رواه أيضا محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن الحسن الصفار عن احمد بن محمد عن الحسين بن سعيد

شیخ در مشیخه سه طریق به الحسین بن سعید ذکر کرده است که طریق اول با عطف هایی که دارد خودش سه سند می باشد (و چون قرینه لفظی (کلهم) آمده، معطوف و معطوف علیه واضح است) پس ۵ طریق به الحسین بن سعید وجود دارد:

۱- فقد اخبرنی به الشيخ ابو عبد اللّه محمد بن محمد بن النعمان و الحسين بن عبيد اللّه و احمد بن عبدون كلهم عن احمد بن محمد بن الحسن بن الوليد عن ابيه محمد بن الحسن بن الوليد

- ✓ (فقد اخبرنی به الشيخ ابو عبد اللّه محمد بن محمد بن النعمان عن احمد بن محمد بن الحسن بن الوليد عن ابيه محمد بن الحسن بن الوليد)
- ✓ (فقد اخبرنی به الحسين بن عبيد اللّه عن احمد بن محمد بن الحسن بن الوليد عن ابيه محمد بن الحسن بن الوليد)
- ✓ (فقد اخبرنی به احمد بن عبدون عن احمد بن محمد بن الحسن بن الوليد عن ابيه محمد بن الحسن بن الوليد)

۲- اخبرنی به أیضا ابو الحسین ابی جید القمی عن محمد بن الحسن بن الولید عن الحسین بن الحسن بن ابان عن الحسین بن سعید

۳- رواه أیضا محمد بن الحسن بن الولید عن محمد بن الحسن الصفار عن احمد بن محمد عن الحسین بن سعید

در نتیجه ۵ سند خواهیم داشت:

۱- فقد اخبرنی به الشیخ ابو عبد اللّه محمد بن محمد بن النعمان عن احمد بن محمد بن الحسن بن الولید عن ابیه محمد بن الحسن بن الولید عن الحسین بن سعید عن القاسم بن محمد الجوهری عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن ابی عبد الله

۲- فقد اخبرنی به الحسین بن عبید اللّه عن احمد بن محمد بن الحسن بن الولید عن ابیه محمد بن الحسن بن الولید عن الحسین بن سعید عن القاسم بن محمد الجوهری عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن ابی عبد الله

۳- فقد اخبرنی به احمد بن عبدون عن احمد بن محمد بن الحسن بن الولید عن ابیه محمد بن الحسن بن الولید عن الحسین بن سعید عن القاسم بن محمد الجوهری عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن ابی عبد الله

٤- اخبرنی به أیضا ابو الحسین ابی جید القمی عن محمد بن الحسن بن الولید عن الحسین بن الحسن بن ابان عن الحسین بن سعید عن القاسم بن محمد الجوهری عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن ابی عبد الله

۵- رواه أیضا محمد بن الحسن بن الولید عن محمد بن الحسن الصفار عن احمد بن محمد عن الحسین بن سعید عن القاسم بن محمد الجوهری عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن ابی عبد الله

تحریف زدایی سند

در خلال رفع اضمار، بخشی از تحریف زدایی هم انجام شد و مشخص شد که القاسم بن محمد الجوهری از سند سقط شده بود.

روابط استاد و شاگردی را در طریقی که از مشیخه استخراج کردیم، بررسی می کنیم:

الشیخ ابو عبد اللّه محمد بن محمد بن النعمان عن احمد بن محمد بن الحسن بن الولید

« محمد بن محمد بن النعمان عن احمد بن محمد بن الحسن» را در اسناد همه کتب جستجو می کنیم ۴ مورد یافتیم.

با توجه به اینکه شیخ طوسی، شیخ مفید را شیخ تعبیر می کند « الشیخ ← عن احمد بن محمد بن الحسن» را در کتب اربعه جستجو می کنیم.

۲۹ مورد در تهذیب و استبصار یافتیم که تعبیر «أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ أَيَّدَهُ اللَّهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيد» به کار رفته و نشان دهنده رابطه استاد و شاگردی بین شیخ مفید و ابن ولید می باشد.

احمد بن محمد بن الحسن بن الولید عن ابیه محمد بن الحسن بن الولید

« احمد بن محمد بن الحسن بن الولید عن ابیه» را در اسناد کتب قبل از سال ۵۰۰ جستجو می کنیم. ۳۴ مورد یافتیم که نشان دهنده رابطه استاد و شاگردی بین این دو می باشد.

محمد بن الحسن بن الولید عن الحسین بن سعید

« محمد بن الحسن بن الولید عن الحسین بن سعید» را در تمام کتب جستجو می کنیم یک مورد یافتیم.

« احمد بن محمد عن ابیه عن الحسین بن سعید» را در تمام کتب جستجو می کنیم دو مورد دیگر یافتیم.

سه مورد یافتیم که محمد بن الحسن بن الولید از الحسین بن سعید روایت دارد و دلیلی بر تحریف و تصحیف این سه وجود ندارد.

الحسین بن عبید اللّه عن احمد بن محمد بن الحسن بن الولید

«الحسین بن عبید الله عن احمد بن محمد» را در همه کتب جستجو می کنیم ۸۹ مورد یافتیم که بیشتر آن ها احمد بن محمد بن یحیی می باشد.

پس « (الحسین بن عبید الله عن احمد بن محمد) &!(أحمد بن محمد بن یحیی)» را در کتب اربعه جستجو می کنیم که ۱۹ مورد در استبصار یافتیم که سند به شکل « الْحُسَيْنُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيه» می باشد و بیانگر رابطه استاد و شاگردی بین الحسین بن عبید الله و احمد بن محمد بن الحسن بن الولید می باشد.

احمد بن عبدون عن احمد بن محمد بن الحسن بن الولید

جستجوهای مختلفی انجام شد اما هیچ موردی پیدا نشد که در آن احمد بن عبدون از احمد بن محمد بن الحسن بن الولید روایت کند و تنها با اعتماد بر مطلبی که در فهرست شیخ طوسی آمده حکم به عدم تحریف و تصحیف می کنیم. در مقدمه فهرست صفحه ۳۸ آمده است:

یروی ابن عبدون عن ابن الزبیر القرشی، و أبی طالب الأنباری، و أبی بکر الشافعی، و الحسن بن حمزة العلوی الطبری، و **أحمد بن محمّد بن الحسن ابن الولید**، و أبی الفرج صاحب الأغانی، و محمّد بن علی الشجاعی الکاتب

ابو الحسین ابی جید القمی عن محمد بن الحسن بن الولید

« ابی جید القمی عن محمد بن الحسن بن الولید» را در کتب قبل از سال ۵۰۰ جستجو می کنیم ۸ مورد یافتیم که ابوالحسین ابی جید القمی از محمد بن الحسن بن الولید روایت می کند. پس رابطه استاد و شاگردی بین این دو بوده است.

محمد بن الحسن بن الولید عن الحسین بن الحسن بن ابان

« محمد بن الحسن بن الولید عن الحسین بن الحسن بن ابان» را جستجو می کنیم ۶ مورد در استبصار یافتیم که نشان می دهد محمد بن الحسن بن الولید از الحسین بن الحسن بن ابان روایت دارد.

الحسین بن الحسن بن ابان عن الحسین بن سعید

« الحسین بن الحسن بن ابان عن الحسین بن سعید» را در کتب قبل از سال ۵۰۰ جستجو می کنیم ۲۰۹ مورد یافتیم که بیانگر رابطه استاد و شاگردی بین این دو می باشد.

محمد بن الحسن بن الولید عن محمد بن الحسن الصفار

« محمد بن الحسن بن الولید عن محمد بن الحسن الصفار» را در کتب قبل از سال ۵۰۰ جستجو می کنیم ۲۶ مورد یافتیم که بیانگر رابطه استاد و شاگردی بین این دو می باشد.

محمد بن الحسن الصفار عن احمد بن محمد

« محمد بن الحسن الصفار عن احمد بن محمد» را در کتب قبل از سال ۵۰۰ جستجو می کنیم ۲۸۳ مورد یافتیم که بیانگر رابطه استاد و شاگردی بین این دو می باشد.

احمد بن محمد عن الحسین بن سعید

« احمد بن محمد عن الحسین بن سعید» را در کتب اربعه جستجو می کنیم ۶۳۵ مورد یافتیم که بیانگر رابطه استاد و شاگردی بین این دو می باشد.

تبیین سند

جهت تمییز مشترکات و همچنین به دست آوردن نام کاملتر راویان که بتوانیم در کتب رجالی به آن ها رجوع کنیم، نام کامل تر راویان را بررسی می کنیم:

ابی بصیر

«(علی بن ابی حمزه ←ابی بصیر) &! (عن ابی بصیر)» را در تمام کتب جستجو می کنیم. مشخص می شود که « أبی بصیر یحیی بن القاسم» می باشد.

احمد بن محمد

« محمد بن الحسن الصفار عن ← احمد بن محمد ← عن الحسین بن سعید» را جستجو می کنیم و مشخص می شود که احمد بن محمد بن عیسی می باشد.

سایر عناوین مشترک نیستند و نام پدرشان ذکر شده و مشخص است چه کسانی هستند و برای جستجو در کتب رجالی کفایت می کنند.

ارزیابی راویان سند

ابو عبد اللّه محمد بن محمد بن النعمان

در رجال النجاشی، صفحه ۳۹۹ چنین آمده است:

۱۰۶۷ محمد بن محمد بن النعمان

بن عبد السلام بن جابر بن النعمان بن سعید بن جبیر بن وهیب بن هلال بن أوس بن سعید بن سنان بن عبد الدار بن الریان بن قطر بن زیاد بن الحارث بن مالک بن ربیعهٔ بن کعب بن الحارث بن کعب بن علهٔ بن خلد بن مالک بن أدد بن زید بن یشجب بن عریب بن زید بن کهلان بن سبإ بن یشجب بن یعرب بن قحطان شیخنا و أستاذنا رضی الله عنه. **فضله أشهر من أن یوصف فی الفقه و الکلام و الروایهٔ و الثقهٔ و العلم**

در رجال الطوسی، صفحه ۴۴۹ آمده است:

۶۳۷۵- ۱۲۵ محمد بن محمد بن النعمان،

جلیل، ثقهٔ.

احمد بن محمد بن الحسن بن الولید

در کتب رجالی چیزی در مورد او نیامده است.

«عن احمد بن محمد بن الحسن بن الولید» را در کتب قبل از سال ۵۰۰ جستجو می کنیم تا ببینیم چه کسانی از او نقل می کنند و آیا می توان از راه اکثار اجلاء، وثاقت او را ثابت کرد یا نه؛ ۹ مورد یافتیم که در همه آن ها شیخ مفید از او نقل کرده است. اما این تعداد کم است.

«عن احمد بن محمد بن الحسن» را در کتب قبل از سال ۵۰۰ جستجو می کنیم ۳۱ مورد یافتیم که در ۲۶ مورد آن شیخ مفید از او نقل کرده است.

با توجه به اینکه شیخ مفید و احمد بن محمد بن الحسن با نام های متفاوت (مختصر یا مفصل یا با نام شیخ یا ...) در اسناد ذکر شده اند، قطعا موارد دیگری به جز این ۲۶ مورد هم وجود دارد که شیخ مفید از احمد بن محمد نقل می کند.

نتیجه آنکه وثاقت احمد بن محمد بن الحسن بن الولید با اکثار اجلاء ثابت می شود.

در معجم رجال الحدیث این طور آمده است:

۸۴۲- أحمد بن محمد بن الحسن:

أحمد بن محمد بن الحسن بن الولید. أحمد بن محمد بن الحسن أبو الحسن. وقع بهذا العنوان فی أسناد جملهٔ من الروایات، ما یقرب سبعین موردا: فقد روی فی جمیع هذه الروایات عن أبیه، و روی عنه المفید- قدس سره- فی جمیع ذلک، إلا موردا واحدا، روی عنه الحسین بن عبید الله. و هو: أحمد بن محمد بن الحسن بن الولید الآتی.

در سند حدود ۷۰ روایت واقع شده که در همه آن ها به جز یک مورد شیخ مفید از او روایت کرده است. پس اکثار اجلاء قطعا اثبات می شود.

محمد بن الحسن بن الولید

در رجال نجاشی صفحه ۳۸۳ آمده است:

۱۰۴۲ محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید

أبو جعفر شیخ القمیین، و فقیههم، و متقدمهم، و وجههم. و یقال: إنه نزیل قم، و ما کان أصله منها. **ثقة ثقة، عین**، مسکون إلیه

الحسین بن سعید

در فهرست شیخ طوسی صفحه ۱۴۹ چنین آمده است:

[۲۳۰] الحسین [بن سعید]

الحسین بن سعید بن حمّاد بن سعید بن مهران- من موالی علی بن الحسین علیهما السّلام- الأهوازی، **ثقة**، روی عن الرضا و عن أبی جعفر الثانی و أبی الحسن الثالث علیهم السّلام.

القاسم بن محمد الجوهری

در کتب رجالی در مورد وثاقتش چیزی نیامده است اما گفته اند که واقفی بوده است.

« عن القاسم بن محمد الجوهری» را در کتب قبل از سال ۵۰۰ جستجو می کنیم ۵۲ مورد یافتیم که در ۳۰ مورد آن الحسین بن سعید از او نقل کرده است. قطعا با نام های دیگر و خلاصه تر هم در اسناد وجود دارد که تعداد نقل ها از ۳۰ مورد بیشتر خواهد بود. هر چند همین مقدار هم برای ما کفایت می کند.

پس با اکثار اجلاء وثاقتش ثابت می شود.

در کتاب نکاح جلد ۱۷ صفحه ۵۳۶۴ آیت الله شبیری فرموده اند:

۳- بررسی سند روایت عبید بن زراره و اثبات وثاقت قاسم بن محمد جوهری

در سند این روایت اشکالی نیست، تنها درباره قاسم بن محمد جوهری بحث است، درباره وی توثیق صریحی وارد نشده، تنها به وی نسبت واقفی بودن داده‌اند. ولی از چند راه می‌توان بر وثاقت وی استدلال کرد.

راه اول: روایت ابن ابی عمیر از قاسم بن محمد (بنابر عقیده ما که مشایخ ابن ابی عمیر و صفوان و بزنطی را امامی ثقه می‌دانیم)، این راه اول به نظر ما ناتمام است، چون روایت ابن ابی عمیر از قاسم بن محمد جوهری هر چند در چند سند وارد شده، ولی این اسناد همگی دارای غراباتی هستند که احتمال تصحیف را در آنها جدی می‌سازد و لااقل به گونه‌ای نیست که بتوان حکم به صحت سند کرد.

راه دوم: روایت صفوان از قاسم بن محمد (بنابر مبنای متقدم) این راه به نظر ما صحیح می‌باشد، البته در یک مورد از روایت صفوان از قاسم بن محمد تحریف رخ نموده است، ولی صفوان در سه مورد دیگر از قاسم بن محمد روایت می‌کند که دلیلی بر مصحف بودن آن در دست نیست، لذا باید روایت صفوان را از قاسم بن محمد پذیرفت و با توجه به مبنای رجالی پیش گفته، وثاقت قاسم بن محمد جوهری را نتیجه گرفت. مرحوم آقای خویی روایت ابن ابی عمیر و صفوان را از قاسم بن محمد پذیرفته، ولی مبنای کلی وثاقت مشایخ ابن ابی عمیر و صفوان را انکار می‌کنند، ما در مباحث رجالی به تفصیل در این زمینه بحث کرده و درستی این مبنا را به اثبات رسانده‌ایم.

راه سوم: بزرگانی از قاسم بن محمد جوهری روایت کرده‌اند که درباره آنها نقطه ضعف حدیثی (یروی عن الضعفاء) ذکر نشده است. همچون عبد الله بن الصلت و به ویژه حسین بن سعید اهوازی که در روایات بسیاری از او حدیث نقل کرده و کتاب او را روایت کرده است که این امر نشانه اعتماد بر اوست، تضعیفی هم درباره وی وارد نشده که با این توثیق عملی تعارض پیدا کند.

علی بن ابی حمزه

در کتب رجالی گفته شده که واقفی است علامه و ابن غضائری هم او را تضعیف کرده اند.

پاسخ آیت الله شبیری زنجانی به علامه

در کتاب نکاح (زنجانی)، ج۹، صفحه ۳۰۷۲ آمده است:

چون اولًا اصحاب ما از واقفه و بخصوص طبقۀ اول آنها و کسانی مانند علی بن ابی حمزه تنها در ایام استقامتشان اخذ حدیث می‌کردند و پس از انحراف، به طور کلی ارتباطشان را با آنان قطع نمودند و چون ابن ابی حمزه قبل از واقفه بودن نقطه ضعفی نداشته، **سند از ناحیۀ او اشکالی نخواهد داشت.**

در جلد ۱۳ هم آمده که روایات علی بن ابی حمزه مربوط به قبل از ایام وقف بوده و مورد قبول است.

در جلد ۱۶ هم آمده است: علی بن أبی حمزه قبل از وفات حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و پیشامد آن امتحان بزرگ، شخص معتبر و مورد اعتمادی بوده و همه از او أخذ حدیث کرده‌اند و افراد دیگر همه از او أخذ حدیث کرده‌اند و نقطه ضعفی که مانع از أخذ حدیث باشد در او نبوده است.

أبو بصیر یحیی بن القاسم

در صفحه ۴۴۱ رجال نجاشی آمده است:

۱۱۸۷ یحیی بن القاسم أبو بصیر الأسدی،

و قیل: أبو محمد، **ثقۀ، وجیه**

الحسین بن عبید اللّه

در صفحه ۶۹ رجال نجاشی آمده است:

۱۶۶ الحسین بن عبید الله بن إبراهیم الغضائری

أبو عبد الله، شیخنا رحمه الله. له کتب ... **أجازنا جمیعها و جمیع روایاته عن شیوخه**

شیخ اجازه می باشد و وثاقتش ثابت می شود.

در رجال علامه حلی صفحه ۵۰ آمده است:

۱۱ الحسین بن عبید الله بن إبراهیم الغضائری

یکنی أبا عبد الله کثیر السماع عارف بالرجال و له تصانیف ذکرناها فی کتابنا الکبیر. شیخ الطائفة سمع الشیخ الطوسی (ره) منه و أجاز جمیع روایاته، مات رحمه الله فی منتصف صفر سنة إحدی عشرة و أربعمائة، و کذا أجاز للنجاشی.

احمد بن عبدون

در کتب رجالی در مورد وثاقتش چیزی نیامده است.

«عن احمد بن عبدون» را جستجو می کنیم تا ببینیم چه کسانی از او نقل می کنند تا راه اکثار اجلاء را بررسی کنیم. هیچ موردی یافت نشد.

« احمد بن عبدون» جستجو می کنیم ۴۸ مورد یافتیم که همه از تهذیب و استبصار می باشد و با لفظ «أَخْبَرَنِی أَحْمَدُ بْنُ عُبْدُونٍ» می باشد که بیانگر روایت شیخ از احمد بن عبدون می باشد. پس اکثار شیخ از احمد بن عبدون ثابت می شود و وثاقت احمد بن عبدون ثابت می شود.

ابو الحسین ابی جید القمی

در معجم رجال الحدیث جلد ۱۲ صفحه ۲۷۷ آمده است:

۷۹۱۲- علی بن أحمد بن محمد بن أبی جید:

ثقة، لأنه من مشایخ النجاشی، و قد تقدم ذکره.

الحسین بن الحسن بن ابان

در کتب رجالی چیزی در مورد او گفته نشده است.

«عن الحسین بن الحسن بن ابان» را جستجو می کنیم ۱۱۶ مورد یافتیم که در همه آن ها به جز چند مورد به «أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ» بر می خوریم. حدود ۱۰۰ مورد ابیه (محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید که از اجلاء است) از الحسین بن الحسن بن ابان روایت دارد.

پس با اکثار اجلاء وثاقتش ثابت می شود.

محمد بن الحسن الصفار

در رجال نجاشی، صفحه ۳۵۴ آمده است:

۹۴۸ محمد بن الحسن بن فروخ الصفار

مولی عیسی بن موسی بن طلحة بن عبید الله بن السائب بن مالک بن عامر الأشعری، أبو جعفر الأعرج، کان وجها فی أصحابنا القمیین، **ثقة** عظیم القدر راجحا قلیل السقط فی الروایة

احمد بن محمد بن عیسی

در رجال شیخ طوسی صفحه ۳۵۱ چنین آمده است:

۵۱۹۷- ۳ أحمد بن محمد بن عیسی

الأشعری القمی، **ثقة**، له کتب.

ارزش گذاری سند

با توجه به اینکه همه راویان ثقه و امامی می باشند، روایت از هر ۵ طریق صحیحه می باشد.